



Investigating the Role of Teacher's Adherence to the Teachings of the Makarim al-Akhlaq Prayer in Hidden Curriculum

Alireza Saffarianhamedani^{1*}, Zahra Rafieifard²⁺¹

1. Department of Theology, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.
2. Master's degree graduate in Quranic Sciences and Hadith, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Article Info	ABSTRACT
DOI: 10.22084/dua.2026.31701.1213 Article history: Received: 2025 October 16 Received in revised: 2025 November 29 Accepted: 2026 Jun 11 Keywords: Prayer, Ethics, Hidden Curriculum, Bandura's Social Learning, Bloom's Educational Levels, Makarim al-Akhlaq. * Corresponding author. Email: a.saffarian@basu.ac.ir * Email(s): a.saffarian@basu.ac.ir, zahrteacher9055@gmail.com Publisher: Bu-Ali Sina University.	The hidden curriculum, as an indirect platform in education and upbringing, plays a fundamental role in shaping students' personality, with teacher's ethics being one of its most important pillars. The main issue of the present research is to investigate the impact of teachers' adherence to the moral teachings contained in the Makarim al-Akhlaq prayer on students' beliefs, feelings, and behaviors through the hidden curriculum. This research has been organized using a descriptive-analytical method and by employing a theoretical framework that integrates Bandura's "social learning theory" with Bloom's levels of educational objectives. The research findings show that the teacher's commitment to moral virtues such as benevolence, fault-covering, and humility yields positive outcomes at the cognitive (intellectual perfection), affective (increased empathy and optimism), and behavioral (responsibility) levels of students. Conversely, avoiding vices such as greed, foul language, and suspicion prevents the emergence of negative consequences at these three levels and deters outcomes such as neglect of God's remembrance, self-deprecation, and risky behaviors. The conclusion emphasizes the importance of teacher's ethics based on religious sources in the effective implementation of hidden curriculum, from the perspective of psychological and educational models.



بررسی نقش پای‌بندی معلم به آموزه‌های دعای مکارم الاخلاق در آموزش پنهان

علیرضا صفاریان همدانی^{۱*}، زهرا رفیعی فرد^۲

۱. استادیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول) a.saffarian@basu.ac.ir

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران zahrateacher9055@gmail.com



اطلاعات مقاله	چکیده
شناسه DOI : 10.22084/dua.2026.31701.1213 سابقه مقاله: تاریخ دریافت : ۲۴ مهر ۱۴۰۴ تاریخ بازنگری : ۸ آذر ۱۴۰۴ تاریخ پذیرش : ۲۱ خرداد ۱۴۰۵ کلیدواژگان: دعا، اخلاق، آموزش پنهان، یادگیری اجتماعی بندورا، سطوح آموزشی بلوم، مکارم الاخلاق. ناشر : دانشگاه بوعلی سینا	آموزش پنهان به‌عنوان یک بستر غیرمستقیم در تعلیم و تربیت، نقشی اساسی در شکل‌دهی به شخصیت دانش‌آموزان ایفا می‌کند که اخلاق معلم یکی از مهم‌ترین ارکان آن محسوب می‌شود. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که پای‌بندی معلمان به آموزه‌های اخلاقی مندرج در دعای مکارم‌الاخلاق، چه تأثیری بر باورها، احساسات و رفتارهای دانش‌آموزان از طریق آموزش پنهان دارد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از چارچوب نظری تلفیقی بین «نظریه یادگیری اجتماعی» بندورا و سطوح اهداف آموزشی بلوم سامان یافته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که التزام معلم به فضائل اخلاقی مانند نیکوکاری، عیب‌پوشی و تواضع، نتایج مثبتی در سطوح شناختی (کمال عقل)، عاطفی (افزایش همدلی و خوش‌بینی) و رفتاری (مسئولیت‌پذیری) دانش‌آموزان به‌همراه دارد؛ درمقابل، اجتناب از رذائلی چون طمع، ناسزاگویی و سوءظن، مانع از بروز پیامدهای منفی در این سه سطح شده و از پیامدهایی چون غفلت از یاد خدا، خودکم‌بینی و رفتارهای مخاطره‌آمیز پیشگیری می‌کند. نتیجه‌گیری پژوهش بر اهمیت اخلاق معلم مبتنی بر منابع دینی در اجرای مؤثر آموزش پنهان، از منظر مدل‌های روان‌شناختی و تربیتی تأکید دارد.



۱- مقدمه

حرفه معلمی به عنوان یکی از مشاغل کلیدی و حساس در جامعه، نقش بسیار مهمی در شکل گیری نسل ها دارد. معلمان نه تنها دانش و اطلاعات علمی را به دانش آموزان منتقل می کنند، بلکه با تربیت اخلاقی و اجتماعی آن ها نیز ارتباط مستقیمی دارند. برای تحقق تأثیرگذاری اخلاقی و اجتماعی معلم به بهترین شکل ممکن، وجود یک اصل اساسی به نام اخلاق در این شغل ضروری است. این حقیقت هم در متون دینی و هم در نزد دانشمندان تعلیم و تربیت مورد توجه واقع شده است. پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد(ص) در حدیث «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۶۸) هدف از رسالت خود را تکمیل و تعلم مکارم اخلاقی دانسته اند و از طرف دیگر هم خود را معلم معرفی می کنند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا» (متقی هندی، ۱۴۱۹: ۱۰/۱۶۹). در این زمینه نیز خداوند در آیه شریفه «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/۱۵۹) به وضوح یکی از مهم ترین دلایل موفقیت پیامبر در رسالت خود را اخلاق نیکو و رفتار حسنه او بیان می کند. این نکته بیانگر آن است که اخلاق نیکو در تأثیرگذاری بر جامعه نقش بسیار مهمی دارد.

آموزش های زبانی معمولاً ناپایدار هستند و آن چیزی اثر عمیق تر بر رفتار فرد دارد که از طریق رفتار و کردار مربی شکل گیرد. به بیان دیگر، قبل از آنکه مربی تحت تأثیر علم و اطلاعات و محتوای درسی ارائه شده باشد، تحت تأثیر رفتارها، ارزش ها، بینش ها و اخلاق مربی است؛ یعنی تأثیر دانش و علم معلم کمتر از تأثیر رفتار و اخلاق اوست.

بنابراین، اخلاق معلمان به عنوان حلقه ای از زنجیره مربیان انسان، نقش قابل توجهی در شکل گیری شخصیت افراد دارد؛ به طوری که پای بندی یک معلم به آداب و اخلاق اسلامی می تواند نتایج مثبت و مفیدی در تربیت دانش آموزان داشته باشد؛ معلمانی که با اصول اخلاقی و حرفه ای رفتار می کنند به عنوان الگو برای دانش آموز تلقی شده، ارزش ها و مکارم اخلاقی را در آن ها تقویت می کنند. همچنین تعهد یک معلم به داشتن اخلاق اسلامی محیطی حمایتی و امن برای رشد دانش آموزان ایجاد می کند؛ بنابراین نقش اخلاق معلم به عنوان جزء جدایی ناپذیر در فرایند یاددهی-یادگیری می تواند به رشد شخصیت دانش آموزان و ایجاد نگرش های مثبت و ارتقاء اجتماعی آن ها منجر شود.

از سوی دیگر، طرح موضوع آموزش پنهان در دانش تعلیم و تربیت گواه بر جایگاه رفتار مربی است؛ چه این که آداب و رفتار مربی اصلی ترین شاخص در آموزش پنهان معرفی شده است (ن.ک: ملکی، ۱۳۸۵: ۵۷). در برنامه درسی پنهان سعی می شود ارزش ها و هنجارهای اخلاقی به طور غیرمستقیم به متربیان آموزش داده شود. به طوری که لورنس کهبرگ^۳ (۱۹۸۳م) معتقد است برنامه درسی پنهان رابطه ای جدایی ناپذیر با آموزش اخلاق دارد و معلم از طریق این برنامه به انتقال استانداردهای اخلاقی می پردازد (ن.ک: عابدی و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۲). برنامه درسی پنهان به تأثیرات نامحسوس محیط آموزشی اشاره دارد که عمدتاً غیرکلامی و رفتاری است و به همین دلیل باعث ثبات آن در ذهن دانش آموز می شود. درحقیقت، بخش عمده ای از یادگیری دانش آموزان تحت تأثیر این نوع برنامه درسی است.

مسئله اصلی پژوهش حاضر که با روش تحلیلی توصیفی نگاشته شده این است که پای بندی معلم به آموزه های اخلاقی دین مبین اسلام، چه اثراتی در آموزش پنهان و به تبع آن در شکل گیری شخصیت دانش آموزان دارد. درحقیقت، نوشتار حاضر این هدف را دنبال می کند که نقش اخلاق مربی مبتنی بر معارف اسلامی در برنامه درسی پنهان شناسایی و تبیین گردد. یکی از منابع مهم در متون اسلامی برای تبیین اخلاق حسنه، دعای بیستم صحیفه سجاده به عنوان مکارم الاخلاق است. دعای مکارم الاخلاق به عنوان یکی از جامع ترین دستورالعمل های اخلاقی برای تعامل صحیح انسان با سایرین در متون دینی است



که به مضامینی چون حسن خلق، تقوا، اخلاق اجتماعی و اجتناب از رذایل اخلاقی تأکید دارد. از آنجا که مؤلفه‌های اخلاقی مؤثر در برنامه درسی پنهان گستره وسیعی را شامل می‌شود، با هدف محدود و مشخص شدن دایره بحث، در ادامه به بررسی نقش شاخصه‌های اخلاقی دعای مکارم‌الاخلاق در آموزش پنهان پرداخته شده است. این پژوهش درصدد کشف پاسخ این پرسش است که پای‌بندی یک معلم به آموزه‌های دعای مکارم‌الاخلاق چه تأثیری در اندیشه، احساسات و عملکرد دانش‌آموزان دارد.

۱-۱ پیشینه پژوهش

در خصوص بررسی نقش اخلاق معلم در آموزش پنهان مبتنی بر آموزه‌های دعای مکارم‌الاخلاق، تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. لذا نوشتار حاضر از این منظر که بر پایه مضامین والای دعای مکارم‌الاخلاق و تأثیر آن بر آموزش پنهان سامان یافته، فاقد پیشینه است. اما پیرامون آداب معلمی و نیز رابطه متقابل اخلاق معلم با امر آموزش، پژوهش‌هایی انجام گرفته که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

الف) پایان‌نامه ارشد تحت عنوان بررسی مبانی دینی اخلاق حرفه‌ای معلمان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان. مؤلف در ابتدا دیدگاه چهار اندیشمند مسلمان (غزالی، فیض کاشانی، ابن‌خلدون و خواجه نصیر) را مورد بررسی قرار داده و اصول اخلاق حرفه‌ای معلمان را از دیدگاه‌های آنان استخراج نموده است؛ سپس اصول موردنظر را با هم تلفیق کرده تا یک منشور اخلاقی منظم و جامع در ارتباط با معلمان به‌دست آورد. این اصول عبارتند از: محبت و احساس مسئولیت، حفظ حرمت و شخصیت، صداقت، گذشت، عدالت، واقع‌گرایی و... (ن.ک: گودرزی، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۲۴).

ب) رساله دکتری با عنوان بررسی تحلیلی اخلاق معلمی و تعیین جایگاه آن در اهداف و برنامه‌های تربیت معلم ایران. هدف این پژوهش بررسی تحلیلی اخلاق معلمی و تعیین جایگاه آن در مصوبات و برنامه‌های تربیت معلم ایران می‌باشد که از دو بخش تشکیل شده است. در بخش اول، با استفاده از روش تحلیلی استنباطی، مبانی و اصول اخلاق حرفه‌ای هم‌براساس فلسفه اخلاق سکولار (غیردینی) و هم‌براساس اخلاق اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. در بخش دوم این پژوهش، جایگاه اخلاق معلمی در مصوبات و برنامه‌های تربیت معلم ایران مورد بررسی قرار گرفته و برای بهبود و پیشرفت اخلاق معلمی در تربیت معلم ایران پیشنهادهایی ارائه شده است (ن.ک: رحمانی، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۵۹).

ج) مقاله‌ای تحت عنوان نقش استادان در شکل‌گیری ابعاد پنهان برنامه درسی. مؤلفان ضمن تأکید بر نقش گسترده برنامه درسی پنهان در انتقال دانش غیررسمی، ارزش‌ها و اعتقادات به‌عنوان بخشی از فرایند یادگیری در مدارس و کلاس‌های درس، بین برنامه درسی پنهان با اخلاق معلم رابطه جدایی‌ناپذیر تعریف نموده و با هدف تبیین تجربیات استادان از شکل‌گیری این بعد از برنامه درسی، پژوهش را در قالب یک تحقیق کیفی سامان داده‌اند (ن.ک: مصلی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۰-۱۴۱).

د) پایان‌نامه ارشد با عنوان تأثیر رفتارهای اخلاقی و غیراخلاقی معلم بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز از نظر عالمان علم اخلاق. پژوهشگر در این تحقیق بیان می‌دارد که خوش‌رویی و خوش‌برخوردی معلم و نیز رعایت آداب معاشرت، ضمن ارائه یک الگوی خوب برای دانش‌آموزان، باعث علاقه بیشتر دانش‌آموزان به درس و مدرسه و در نتیجه پیشرفت تحصیلی آن‌ها می‌شود. به‌طور کلی، درونی‌کردن ارزش‌های اخلاقی و باورهای اسلامی و علاقه به پیشرفت و علم آموزی، به‌طور مستقیم با رفتار و باورهای معلم ارتباط تنگاتنگ دارد. هر رفتار خوب یا بد از سوی معلم تأثیر شگرف مثبت و یا منفی در دانش‌آموز دارد (ن.ک: کریمی، ۱۴۰۱: ۱۴-۱۳۵).



ه) پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع استخراج آیات نشانگر برنامه درسی پنهان و کاربردهای آن برای مربیان. مؤلف از سوره حجرات ۸۸ مفهوم در زمینه اخلاق به عنوان مؤلفه های برنامه درسی پنهان استخراج کرده است. در این پایان نامه برنامه درسی پنهان شامل ارتقاء اخلاق محوری فردی، ارتقاء اخلاق محوری اجتماعی و ارتقاء اخلاق محوری معنوی است (ن.ک: رضایی، ۱۴۰۲: ۱۵-۱۱۹).

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی نوآورانه ابتدا با تمرکز بر مفاهیم دعای مکارم الاخلاق، فضیلت ها و رذیلت های اخلاقی را شناسایی و سپس تأثیر این فضایل و رذایل را در اخلاق معلم بررسی می کند و به صورت جامع به استخراج اصول و الگوهای رفتاری مستقیم از دعای مکارم الاخلاق می پردازد؛ سپس بر تأثیرات اخلاق معلم بر آموزش پنهان متمرکز می شود و این مهم را از سه منظر اندیشه و باورها، عواطف و احساسات، و در نهایت عملکرد و رفتار دانش آموزان تحلیل می نماید. از بررسی پیشینه و موارد مشابه مشخص گردید که تاکنون در خصوص نقش اخلاق معلم در برنامه درسی پنهان با تأکید بر آموزه های دعای مکارم الاخلاق پژوهشی صورت نگرفته است.

۲-۱ ضرورت و اهمیت پژوهش

این پژوهش به دلیل خلأ تحقیقاتی موجود و اهمیت حیاتی موضوع در تحقق اهداف بنیادین نظام آموزش و پرورش، از ضرورت علمی و کاربردی ویژه ای برخوردار است. بررسی پیشینه نشان می دهد که پژوهش مستقلی که نقش اخلاق معلم را با تمرکز دقیق بر آموزه های یک دعا و تأثیر آن بر برنامه درسی پنهان (در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری) مورد واکاوی قرار داده باشد، تاکنون انجام نشده است؛ در حالی که پیش از این پژوهش هایی به اخلاق معلم یا برنامه درسی پنهان پرداخته اند، اما این تحقیق برای اولین بار با اتخاذ رویکردی نوآورانه، منبعی جامع (دعای مکارم الاخلاق) را به طور مستقیم به عنوان الگوی رفتاری معلم برای تقویت آموزش پنهان معرفی می کند. این کار، رویکردی مستند به منابع دینی اصیل را به حوزه نوین برنامه درسی پنهان اضافه می کند که خود ارزش علمی بالایی دارد.

از دیگر سو، تأکید فراوان متون دینی مبنی بر لزوم تأدیب به سیرت قبل از لسان، نشان دهنده اهمیت ویژه اخلاق معلم در معارف دینی است. وجود روایاتی مانند «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ، وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ» (نهج البلاغه، ح ۷۳) از امام علی (ع) بیانگر اهمیت رفتار مربی در سیر تربیتی انسان است. به بیان دیگر بیش از آن که «کلام تربیتی» منجر به تربیت مطلوب شود، این «انسان تربیت یافته» است که منشأ تغییرات مثبت در شناخت، نگرش و رفتار سایرین می شود (ن.ک: فریدونی و دیگران، ۱۴۰۱: ۵۷). به طور خلاصه، بررسی نقش اخلاق معلم مبتنی بر آموزه های دعای مکارم الاخلاق در برنامه درسی پنهان، نه تنها یک نیاز نظری برای غنی سازی ادبیات برنامه درسی بر اساس منابع دینی است، بلکه یک الزام تربیتی برای ارتقاء سطح آگاهی معلمان در خصوص تأثیر رفتار خود بر شخصیت دانش آموزان می باشد. نتایج حاصل از این پژوهش می تواند برای معلمان، مربیان، طراحان برنامه های آموزشی و تربیتی، و سیاست گزاران نظام آموزشی کشور قابل استفاده باشد.

۲-۲ مبانی نظری پژوهش

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی^۴ آلبرت بندورا^۵ یادگیری از راه مشاهده، تقلید و الگوبرداری انجام می شود. این دیدگاه که به نظریه سرمشق گیری نیز نامبردار است، بیان می کند که از طریق مشاهده و تقلید، یادگیری به صورت مثبت یا منفی

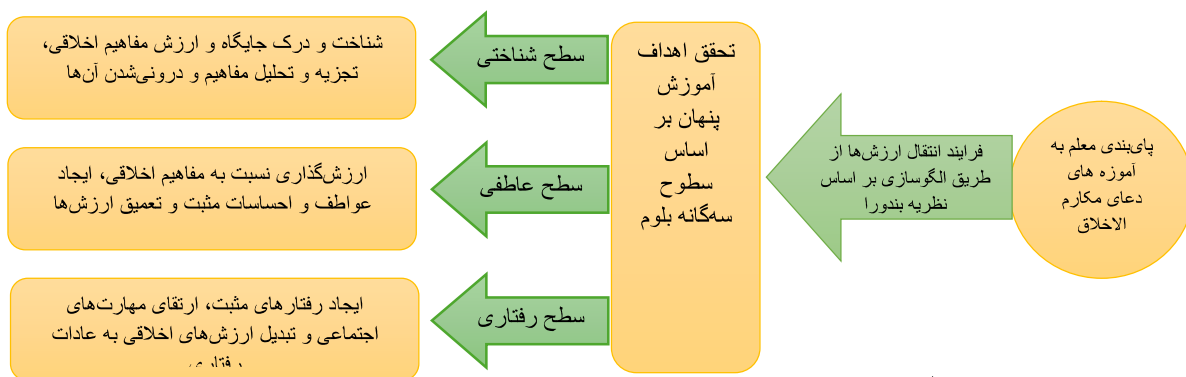


به طور ناخودآگاه در بسیاری از افراد انجام می گیرد و پیامدهای ثمربخش یا زیان بار خود را به دنبال خواهد داشت (ن.ک: آقاییوسفی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۴۰؛ پارسا، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

همچنین بنجامین بلوم^۶ و همکارانش تحقق اهداف تعلیم و تربیت را در سه سطح شناختی، عاطفی، و رفتاری طبقه بندی می کنند. سطح باور و اندیشه شامل معلومات و توانایی های ذهنی است و اهداف آن به جریان هایی مرتبط می شود که با فعالیت های ذهنی و فکری سروکار دارند. در این سطح، عامل فهمیدن نقش اصلی را دارد که خود دارای طبقات مختلف از جمله: دانش، درک، تجزیه و تحلیل، و غیره است (ن.ک: صفوی، ۱۳۸۶: ۴۳؛ تکفلاح، ۱۳۹۰: ۵۴ و ۵۵).

سطح عواطف و احساسات دربرگیرنده علایق، تمایلات، احساسات، انگیزه ها، و عواطف متعلم است. این سطح که از گستردگی بسیاری برخوردار بوده و خود به مراحل مختلفی از جمله: توجه، ارزش گذاری، تبلور و غیره تقسیم می شود؛ درنهایت به سمت تعمیق ارزش ها حرکت می کند (ن.ک: صفوی، ۱۳۸۶: ۶۰؛ تکفلاح، ۱۳۹۰: ۵۸). سطح عملکرد و رفتار نیز همان گونه که از نامش پیداست، به بروز بیرونی اندیشه و احساسات یا همان رفتار متعلم مربوط است. در این سطح مهارت های رفتاری و عملکردی متعلم مورد مطالعه قرار می گیرد که از تقلید صرف شروع شده و درنهایت به عادات رفتاری می رسد (ن.ک: صفوی، ۱۳۸۶: ۷۲؛ تکفلاح، ۱۳۹۰: ۶۱).

بر همین مبنا، مدل مفهومی این پژوهش (نمودار شماره ۱) با هدف تبیین رابطه بین پایبندی معلم به آموزه های دعای مکارم الاخلاق (متغیر مستقل) و اثربخشی آموزش پنهان در سطوح سه گانه فوق (متغیر وابسته) طراحی شده است. بر اساس این مدل، فرض بر این است که پایبندی معلم به فضایل اخلاقی مندرج در دعا (مانند: عدالت، گذشت، تواضع و غیره) از طریق سازوکارهای میانجی تقلید و الگوسازی بر بازده آموزش پنهان در سه سطح شناختی، عاطفی و رفتاری تأثیر می گذارد. به بیان ساده تر، زمانی که معلم به عنوان یک الگوی زنده این ارزش ها را در رفتار و منش خود متجلی سازد، دانش آموزان از طریق مشاهده، تقلید و درونی کردن این رفتارها، ارزش های اخلاقی را می آموزند. این فرایند منجر به نتایج عینی در آموزش پنهان می شود که شاخص های آن عبارتند از: درونی شدن ارزش های اخلاقی، شکل گیری احساسات و عواطف مثبت و ارتقای مهارت های اجتماعی دانش آموزان.



نمودار شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش



۳- برنامه درسی پنهان

برنامه درسی که مجموعه‌ای از محتواها، دانش‌ها، اهداف و فعالیت‌هایی است که در یک نظام آموزشی برای یادگیری دانش‌آموزان طراحی و اجرا می‌شود، شامل انواع مختلفی است: الف) برنامه درسی رسمی^۸ (شامل محتوای آموزشی که به‌طور رسمی در کتاب‌های درسی و برنامه‌های آموزشی مشخص شده‌است)، ب) برنامه درسی غیررسمی^۹ (شامل تجربیات و یادگیری‌های خارج از محیط کلاس و به‌طور غیررسمی و داوطلبانه)، ج) برنامه درسی تجربی^{۱۰} (شامل یادگیری از طریق تجربه، فعالیت‌های عملی، پروژه‌ها و کارهای گروهی)، د) برنامه درسی پوچ یا عقیم^{۱۱} (شامل محتواهایی که به‌طور عمدی یا غیرعمدی در فرایند آموزش نادیده گرفته می‌شود)، ه) برنامه درسی پنهان (ن.ک: فتحی‌اجارگاه، ۱۳۹۹: ۵۲-۴۹).

برای نخستین بار فیلیپ وسلی جکسون^{۱۲} در سال ۱۹۶۸ میلادی در کتاب زندگی در کلاس‌های درس^{۱۳} اصطلاح «برنامه درسی پنهان» را وارد ادبیات برنامه درسی کرد (ن.ک: قورچیان، ۱۳۷۳: ۴۸). از آن زمان تاکنون تعاریف متنوعی درباره این نوع از برنامه درسی توسط اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت همچون جان مک نیل^{۱۴}، ساموئل بولس^{۱۵}، هربرت جنتیس^{۱۶}، هنری جیرو^{۱۷} و غیره ارائه شده است. در یک نگاه کلی، منظور از برنامه درسی پنهان آن دسته از ارزش‌ها و هنجارهایی است که به‌طور مشخص در اهداف برنامه درسی ذکر نشده است؛ یعنی در کلاس درس به‌صورت رسمی و ملموس تدریس نمی‌شود، بلکه به‌شکل ناملموس و ضمنی به فراگیران انتقال داده می‌شود (ن.ک: همان: ۱۲۷؛ بناری، ۱۳۹۶: ۲۶). به‌همین سبب آن را برنامه درسی مستتر نیز می‌نامند. مراد از ضمنی بودن انتقال این نوع برنامه درسی نیز این است که نظام ارزش‌ها و هنجارها از طریق تعاملات اجتماعی، رفتارهای معلم با دانش‌آموزان، نوع ارتباط با آن‌ها، ساخت فرهنگی مدرسه، بطن و متن فرهنگ حاکم بر نظام آموزشی و غیره به دانش‌آموزان آموخته می‌شود. همچنین این برنامه عمدتاً معطوف به مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌ها است و کمتر در حوزه دانستنی‌ها تبلور می‌کند (ن.ک: مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۶۳۷؛ قورچیان، ۱۳۷۳: ۱۲۷؛ بناری، ۱۳۹۶: ۲۸). به‌عنوان مثال، اگر معلم در کلاس درس به دانش‌آموزان فرصت دهد تا در گروه‌های کوچک کار کنند و به یکدیگر کمک کنند، این تجربه به آنان یاد می‌دهد که همکاری و کار تیمی ارزشمند است.

برنامه درسی پنهان به دلایل متعددی چون گوناگونی، نامحسوس بودن، ماندگاری و دوگانگی پیامدهای مثبت و منفی آن (ن.ک: مهرمحمدی، ۱۳۸۷: ۱۵۶)، جایگاه فوق‌العاده‌ای را داراست. در سیره تربیتی اهل بیت (ع) نیز آن دسته از مفاهیم و ارزش‌هایی که به‌طور ضمنی و غیرمستقیم آموزش داده می‌شوند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. آموزش غیرمستقیم وضو به پیرمرد توسط امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، و وجود روایت‌هایی همچون «کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السِّتْكِمْ» (کلینی، ۱۳۶۳: ۷۷/۲)، اهمیت دوجندان این موضوع را نشان می‌دهد. این نوع تربیت علاوه بر تأثیر بیشتر نسبت به آموزش مستقیم، کاربردی‌تر و ماندگارتر است و به‌دلیل دارا بودن ماهیت ضمنی و غیرمستقیم برای انتقال اهداف موردنظر تربیتی بسیار مناسب و کارآمد

8. Formal Curriculum
9. Informal Curriculum
10. Experiential Curriculum
11. Null Curriculum
12. Philip Wesley Jackson
13. Life in Classrooms
14. John Mc Neil
15. Samuel Bowles
16. Herbert Gintis
17. Henry Giroux



خواهد بود. از سوی دیگر در اسلام دین‌داری مطلوب اجباری و دستوری نیست «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره، ۲۵۶)؛ لذا کارکرد برنامه درسی پنهان برای آموزش ارزش‌های دینی بسیار مهم و کلیدی است.

۴- مؤلفه‌های اخلاق معلمی در دعای مکارم‌الاخلاق

دعای مکارم‌الاخلاق طیف وسیعی از دستورالعمل‌های اخلاقی را برای تعامل صحیح انسان با سایرین در برمی‌گیرد. در این بخش با تکیه بر مضامین این دعای شریف، مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاقی که در ارتباط معلم با دانش‌آموز مؤثر هستند، شناسایی و استخراج شده است. این مؤلفه‌ها شالوده اصلی تربیتی معلم را تشکیل می‌دهند و به‌عنوان عناصری کلیدی هستند که یک معلم باید خود را به فضائل آن مجهز سازد و از رذایل آن دوری گزیند. از همین رو، مؤلفه‌های اخلاق معلمی به دو بخش ایجابی و سلبی تقسیم شده‌اند.

۴-۱ مؤلفه‌های ایجابی اخلاق معلمی

به آن دسته از مؤلفه‌های اخلاقی که یک معلم و مربی باید در فرایند تربیتی آن‌ها را دارا باشد، مؤلفه‌های ایجابی اطلاق شده است.

ردیف	مؤلفه‌های استخراج شده	متن دعا
۱	نیکی کردن در حق دیگران (احسان)	و السَّيِّئِ إِلَى الْفَضِيلَةِ وَ إِيَّارِ التَّقْضِيلِ
		وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ
		وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحُّهُ بِالْمَنْ
۲	گذشت‌های اخلاقی	سَرِّ الْعَانِيَةِ
	ترک سرزنش	تَرْكُ التَّعْيِيرِ
۳	خوش رفتاری	لِينِ الْعَرِيكِتَةِ
		حُسْنِ السَّيْرِ وَ طِبِّ الْمَخَالَفَةِ
		سُكُونِ الرِّيحِ
۴	تواضع	خَفَضِ الْجَنَاحِ
۵	عدالت	أَلْبَسَنِي زِيَّةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ
		وَ مَتَّعْنِي بِالْإِقْتِصَادِ
۶	کظم غیظ	كُظْمِ الْغَيْظِ
۷	اصلاح بین مردم	إِطْفَاءِ النَّائِرَةِ
		صَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ
		وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ
۸	نصیحت و خیرخواهی	سَدِّدْنِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ عَشَّنِي بِالنُّصْحِ
		أُمْنِخْنِي حُسْنَ الْإِشْرَادِ
۹	مستولیت‌پذیری	وَ سَمْنِي حُسْنَ الْوِلَايَةِ
	همکاری با دیگران	وَ أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ ، وَ لِرُؤْمِ الْجَمَاعَةِ



۲-۴ مؤلفه‌های سلبی اخلاق معلمی

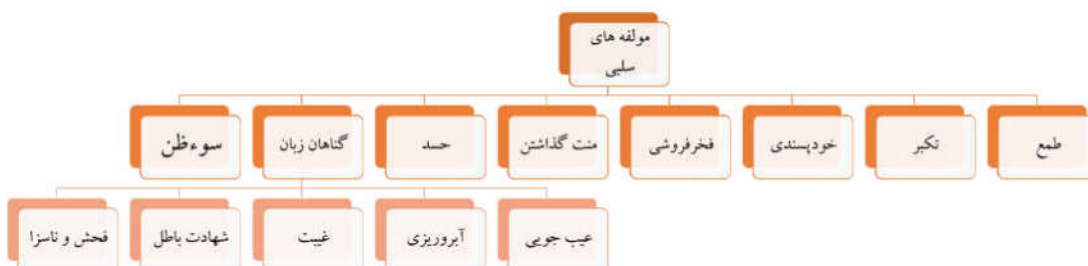
به آن دسته از مؤلفه‌های اخلاقی که یک معلم و مربی نباید در فرایند تربیتی آن‌ها را دارا باشد، مؤلفه‌های سلبی اطلاق شده است.

ردیف	مؤلفه‌های استخراج شده	متن دعا
۱	طمع	وَلَا تَقْتَنِي بِالنَّظَرِ
۲	تکبر	وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكِبَرِ
۳	خودپسندی	لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ
۴	فخر فروشی	وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ ، وَ اغْصِنِي مِنَ الْفَخْرِ
۵	منت گذاشتن	أَجْرٍ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيَّ الْخَيْرِ وَلَا تَمَحِفْهُ بِالْمَنْ
۶	حسد	اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ
۷	فحش و ناسزا	وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ
		أَوْ هُجْرٍ
		أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ
	شهادت باطل	أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ
	غیبت	أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ
	آبروریزی	أَوْ سِتْمٍ عَرَضٍ
	عیب جویی	وَ اكْفِنِي مَثْوَنَةَ مَعْرَةِ الْعِبَادِ
۸	سوء ظن	مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّظَنِّي
		مِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَةِ





نمودار شماره ۲: مؤلفه های ایجابی



نمودار شماره ۳: مؤلفه های سلبی

۵- نقش پای بندی معلم به مؤلفه های اخلاقی دعای مکارم الاخلاق در آموزش پنهان

در این بخش آثار و پیامدهای مذکور در سه سطح اصلی تعلیم و تربیت یعنی سطح باور و اندیشه، سطح عواطف و احساسات، و سطح عملکرد و رفتار با ذکر مصادیق مورد بررسی قرار گرفته است.

۵-۱ نقش مؤلفه های ایجابی

در ادامه آثار مثبت پای بندی معلم به فضائل اخلاقی در آموزش پنهان دانش آموزان بر اساس مؤلفه های ایجابی استخراج شده از دعای مکارم الاخلاق مورد واکاوی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که در این بخش با هدف پیشگیری از تطویل کلام، از ذکر مؤلفه هایی که آثار مشابه با یکدیگر دارند، خودداری شده است؛ لذا برخی از مؤلفه های استخراج شده در ادامه مورد بحث واقع نشده و مؤلفه های نیکوکاری، عیب پوشی، تواضع، نرم خوئی، حفظ آرامش و عدالت واکاوی شده اند.

۵-۱-۱ نیکوکاری

از رسول خدا (ص) روایت شده که: «زَيْنَةُ الْعِلْمِ الْإِحْسَانُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶/۷۴) بنا به فرموده پیامبر اعظم (ص) زینت و زیبایی علم در نیکوکاری و احسان به دیگران است. یعنی داشتن علم به تنهایی کافی نیست، بلکه ارزش واقعی علم زمانی آشکار می شود که در عمل و رفتار فرد نمود پیدا کند؛ پس کسی که دانش بیشتری دارد، می تواند بهتر و مؤثرتر به دیگران احسان کند. در این راستا علم واقعی، انسان را به سمت خیر و نیکوکاری سوق می دهد.



تأثیر در سطح شناختی: از آنجاکه کنش‌های خیرخواهانه انسان‌ها تا حدود زیادی ریشه در باورها و اعتقادات آنان دارد (ن.ک: بردستانی، ۱۳۸۳: ۵۸). طرز تلقی دانش‌آموزان از مفهوم نیکوکاری و احسان ابتدا در خانواده شکل گرفته، سپس تقویت یا تضعیف این مفهوم به مدرسه تسری پیدا می‌کند. اگر معلم در رفتار و گفتار خود گرایش به نیکوکاری را بروز دهد، به دانش‌آموزان باور ارزشمند بودن احسان را القا می‌کند. متعلم از نیکوکاری معلم خویش، درک عمیق‌تری از مفهوم احسان و ضرورت آن در زندگی پیدا نموده و ابعاد و کارکردهایش را و در زندگی فردی و خانوادگی یاد می‌گیرد.

تأثیر در سطح عاطفی: اصولاً مفهومی چون نیکوکاری با عواطف و انگیزه‌های انسانی درگیر است. حس انسان-دوستانه‌ای که آدمی را مجاب به نیکی کردن در حق دیگران می‌کند از عمق جان انسان برمی‌خیزد. از نظر آیزنبرگ و موسن^{۱۸} نیکوکاری و نوع دوستی به معنی انگیزه‌های ذاتی است که رفتارهای داوطلبانه را به‌خاطر دغدغه دیگران برانگیخته می‌کند و نه به واسطه انتظار پاداش‌های اجتماعی یا مادی یا اجتناب از تنبیه (ن.ک: باباصفری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲). اگر معلم با احسان به دیگران احساس انسان دوستی و نیکوکاری را در دانش‌آموزان مستولی کند و از این طریق آن‌ها را به نشر و گسترش نیکوکاری در جامعه ترغیب نماید، باعث افزایش حس همدلی در جامعه نیز می‌شود؛ در نتیجه معلم می‌تواند با پای‌بندی به احسان و نیکوکاری به دیگران، در کنار بیان تأثیرات و پاداش‌های اخروی نیکوکاری، عواطف دانش‌آموزان را برای ارزش نهادن به امر نیکوکاری و تقویت همدلی اجتماعی برانگیخته نماید.

تأثیر در سطح رفتاری: رفتارهای انسان مبتنی بر شناخت و احساسات اوست؛ لذا بعد از درونی‌شدن باور و احساسات در هر فرد، نوبت به عرصه عمل می‌رسد. دانش‌آموزان به‌طور عینی باید شاهد عمل نیکوکارانه معلم باشند تا آن‌ها نیز به انجام ترغیب شوند، زیرا معلمان الگوی عملی دانش‌آموزان هستند و بسیاری از دانش‌آموزان رفتار و عمل معلمشان را حجت می‌دانند. زمانی دستگاه تعلیم و تربیت در رسیدن به اهداف و رسالت‌های خود موفق خواهد بود که بتواند دانش‌آموزانی آگاه، مسئول و خیر تربیت کند و این امر جز از طریق تربیت روح کمک‌رسانی، احسان، نیکوکاری و همیاری و همچنین زمینه‌سازی برای ایفای نقش دانش‌آموزان در نمودهای خیر و نیکی با الگوگیری از معلم میسر نخواهد شد (ن.ک: عیاری، ۱۳۹۸: ۹۱).

۲-۱-۵ عیب‌پوشی

امام سجاده (ع) در حدیثی نورانی، یکی از حقوق کودکان و نوجوانان را بر گردن اولیای تربیتی پوشاندن اشتباهات آنان بیان می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «حَقُّ الصَّغِيرِ رَحْمَتُهُ فِي تَعْلِيمِهِ وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالسِّرُّ عَلَيْهِ وَالزَّفَقُ بِهِ وَالْمَعُونَةُ لَهُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۲/۶۲۵). این بدان معناست که رویکرد معلم در محیط آموزشی باید بر مبنای مدارا با آن‌ها باشد. همچنین باید در آموزششان کوشا بود و خطاهایشان را تا زمانی که قابل اصلاح باشند پوشاند، تا اعتماد به نفس دانش‌آموزان خدشه‌دار نشود و در مسیر تربیت صحیح قرار گیرند.

تأثیر در سطح شناختی: در سطح باور و اندیشه، معلم با عیب‌پوشی از متعلم به یک تربیت اخلاقی از طریق فراهم-سازی زمینه شناخت دست می‌زند (ن.ک: نقیب‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۳-۱۴۲). معلم با گذشت خود از اشتباهات متعلم به او می‌آموزد که چشم‌پوشی از عیوب دیگران امری بسیار پسندیده است. بدین معنا که انسان با در نظر داشتن هدفی برتر چون حفظ کرامت و عزت نفس دیگران از برخی رفتارهای ناشایست آنان اغماض نموده و امید به اصلاح را در ایشان زنده نماید (ن.ک: مجاهد، ۱۳۹۹: ۲۱). پنهان نمودن عیوب افراد، موجب تنبه و شامل جنبه بازدارندگی نیز هست (ن.ک: تقی‌پور، ۱۴۰۱: ۴۷).



تأثیر در سطح عاطفی: در سطح عواطف و احساسات نیز عیب‌پوشی لغزش‌ها، دانه‌های جلب محبت است و دانش‌آموز را نسبت به معلم خوش‌بین، وفادار و بامحبت می‌سازد. معلم با پوشیدن عیوب دانش‌آموزان، در دل آنان بذر محبت کاشته و از آن‌جا که انسان از محبوب خود اطاعت می‌کند، می‌تواند سایر اهداف تربیتی را نیز در وی به ثمر رساند، زیرا در محیط تربیتی مدرسه، متریان به‌ویژه در سنین نوجوانی، به‌طور طبیعی تمایل دارند تا تصویری مثبت، جذاب و مغرور از خود در میان همسالانشان به‌نمایش بگذارند (ن.ک: مجاهد، ۱۳۹۹: ۳۳)؛ پس پوشاندن عیوب آنان توسط معلم سبب حفظ عزت و کرامت انسانی و همچنین وجهه مثبت آنان شده و به ایجاد یا تقویت حس اعتماد به نفس آن‌ها خواهد انجامید.

تأثیر در سطح رفتاری: همان‌گونه که عیب‌پوشی در باور دانش‌آموز ایجاد شناخت صحیح نسبت به این امر و در عواطف او ایجاد عزت و کرامت می‌کند، در سطح رفتار نیز موجب می‌گردد تا دانش‌آموز به عیب‌پوشی از رفتارهای سایر متعلمان ترغیب شود و از خطاهای قابل‌گذشت دیگران، چشم‌پوشی کند. از طرف دیگر، به دلیل مشاهده این رفتار نیک از معلم خود و به سبب تقویت اعتماد به نفس، وی در پی جبران اشتباه خود برآمده و در رفتار اجتماعی و تحصیلی او بهبود حاصل خواهد شد.

۳-۱-۵ تواضع

از پیامبر اعظم (ص) نقل شده که می‌فرمایند: «إِنَّ التَّوَّاضُعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رَفْعَةً فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعَكُمُ اللَّهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۲۱/۲). این حدیث شریف به‌وضوح بیان می‌کند که تواضع باعث ارتقاء جایگاه انسان می‌شود. وقتی در کلاس درس، هم دانش‌آموز و هم معلم با تواضع با هم برخورد کنند، فضایی سرشار از احترام متقابل ایجاد می‌شود که یادگیری را برای همه لذت‌بخش‌تر و مؤثرتر می‌کند.

تأثیر در سطح شناختی: فروتنی معلم در مقابل دانش‌آموزان، سبب هماهنگی، همکاری و پیشرفت جهت رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت می‌باشد، اما به‌عکس، غرور معلم و کوچک‌شمردن متعلم موجب می‌شود که معلم نتواند در دل‌ها و باورهایشان رسوخ نموده و به آن‌ها حقایق معرفتی را آموزش دهد، زیرا بین خودشان پرده‌ای انداخته که مانع از پذیرش معرفت می‌شود (ن.ک: دهقان‌رجبی، ۱۳۹۲: ۴۹). معلم با رعایت تواضع تأثیر زیادی بر شناخت صحیح دانش‌آموزان از خود، خدا، هستی و دیگران می‌گذارد؛ تاجایی که متعلم بتواند به درک عمیقی از خود برسد و با پی‌بردن به عظمت و بزرگی خداوند، خود را ناچیز دیده و بدین ترتیب با نگاه تحقیرآمیز نسبت به همسالان، خود را از آنان برتر نداند.

تأثیر در سطح عاطفی: مدیریت متواضعانه کلاس درس، باعث ایجاد ارتباط نزدیک و صمیمی و تمجید از نقاط قوت دیگران می‌شود (ن.ک: حاجی‌انزهایی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۸). بدین ترتیب می‌توان گفت مهم‌ترین تأثیری که تواضع بر احساسات متعلم دارد، همین رابطه صمیمانه‌ای است که بین معلم و متعلم ایجاد می‌شود؛ بنابراین اگر محیط آموزشی مشوق تواضع و فروتنی باشد و از رفتارهای متکبرانه خودداری شود، ضمن حفظ کرامت انسانی دیگران، حس همدلی و همکاری در دانش‌آموزان پرورش یافته و آنان را نسبت به دیگران مهربان و مسئولیت‌پذیر می‌سازد.

تأثیر در سطح رفتاری: از آن‌جا که رهبران متواضع دارای خودآگاهی سالم هستند می‌توانند به‌عنوان یک الگو ایفای نقش کنند (همان: ۷۸). بدیهی است الگوی عملی‌بودن برای دانش‌آموزان مستلزم رفتارهای متواضعانه‌ای است که معلم در خود متبلور کرده و با اعمال خود دانش‌آموزان را به انجام آن تشویق می‌نماید. نمودهای رفتاری معلم، در برخورد با دانش‌آموز می‌تواند در رعایت ادب و احترام در روابط مانند سلام کردن به دانش‌آموزان باشد. در وصف پیامبرگرامی اسلام گفته‌اند: «أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يَزُورُ الْأَنْصَارَ وَيُسَلِّمُ عَلَى صِبْيَانِهِمْ وَيَمْسَحُ رُءُوسَهُمْ» (ابن‌حبان، ۱۴۱۴ق: ۲/۲۰۵)، معلم متواضع از خدمت به



دانش‌آموزان احساس حقارت نمی‌کند. وی از این طریق دانش‌آموزان را به رفتار متواضعانه تشویق می‌کند. به این شکل که در موقعیت شبیه‌ساز، وقتی دانش‌آموز معلم را می‌بیند که فروتنی در رفتارش نمودار است، او نیز در کمک کردن به دوستش اهتمام ورزیده و در پیشرفت او خود را سهیم می‌کند. همچنین تشکر کردن یکی دیگر از جلوه‌های تواضع است؛ بدین معنا که معلم در ازای خدمت کوچکی از دانش‌آموز از او تشکر و قدردانی کرده تا در رفتارهای متواضعانه دانش‌آموز نیز نمود پیدا کند.

۴-۱-۵ نرم‌خویی و مهربانی

آنچه آدمیان را به هم پیوند می‌دهد و بستر را برای تربیت مطلوب آماده می‌کند، استفاده از ابزار محبت و مهربانی است. در فرمایش‌های پیامبر گرامی اسلام هم به این نکته اشاره شده که: «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَاَلْقَوْهُمْ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحَسَنِ الْبَشْرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴/۳۹۲). از این رو یکی از مهم‌ترین عواملی که به‌عنوان یک راهبرد آموزشی مفید تلقی شده است و تأثیر مستقیم و مهم بر یادگیری دانش‌آموزان در کلاس درس دارد، استفاده معلمان از رفتارهای صمیمی کلامی و غیرکلامی است (ن.ک: عبدی‌زرین و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۹).

تأثیر در سطح شناختی: محبت مهم‌ترین عامل سلامت روح کودک و نبود آن موجب ناهنجاری روانی است که به مرور زمینه را برای آشفتگی‌های اجتماعی فراهم می‌سازد. معلم با مهربانی خود در پی آن است که دانش‌آموز، آگاهانه مطلع شود که مهربانی یک ارزش است، آن را قدر بداند و مبانی و مزایای آن را درک کند. از این حیث معلم با مهربانی، اندیشه‌ها را برای پذیرفتن اصول توسط دانش‌آموزان مهیا می‌کند. ضمن اینکه معلم در عین حال که خود رثوف و مهربان است، باید مرتبی را متوجه رأفت و مهربانی مربی هستی، پروردگار مهربان بنماید. زیرا با مهربانی و اخلاق نیکوست که می‌توان دل‌های خفته را بیدار و متوجه خداوند کرد (ن.ک: دهقان‌رجبی، ۱۳۹۲: ۵۲). معلم با مهربانی خود، نقش اجتماعی مهربانی و تأثیرات آن را در روابط انسانی برای دانش‌آموزان روشن می‌سازد.

تأثیر در سطح عاطفی: بزرگترین و مهم‌ترین تأثیری که از مهربانی انتظار می‌رود، رسوخ در جان دیگران است. مهر و محبت محور تربیت است و آدمی را اسیر خود می‌کند؛ زیرا انسان روح لطیفی دارد و غرق در عاطفه‌است و با ابراز محبت توسط مربی ارتباط عمیق عاطفی ایجاد می‌شود (ن.ک: فرهنگیان، ۱۴۰۰: ۳۶). بدین ترتیب معلم با عطف و بذل محبت را در دل دانش‌آموز کاشته و از این طریق وحدت و همدلی را در دانش‌آموزان خود افزایش می‌دهد، توان سازگاری آن‌ها را با مسائل مختلف بهبود داده و در نهایت احساس دلبستگی و علاقه آنان را به مدرسه و کلاس درس افزایش می‌دهد (ن.ک: خسروی و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۹).

تأثیر در سطح رفتاری: بنابراین آنچه گذشت، مهربانی و عطف لازم شغل معلمی است. مصادیق و جلوه‌های تأثیر رفتارهای مهربانانه معلمان بر رفتار و عملکرد دانش‌آموز فراوان است که می‌تواند در این موارد نمایان شود: **بهبود رفتار** (تأثیر پذیری از رفتار معلم و جبران اشتباهات رفتاری خود)، **گفتار نیکو** (خوب سخن گفتن و سخن خوب گفتن و احترام به دیگران)، **بهبود وضعیت درس** (اثربخشی جلب محبت در تلاش برای بهبود وضعیت تحصیلی)، و **حضور مشتاقانه در کلاس درس**.

۴-۱-۵ آرامش

امام علی (ع) در فرمایشی گهربار بیان می‌دارند که آرامش و صبر، هدیه‌ای الهی است به بندگان که محبوب خداوند هستند: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا رَزَقَهُ بِالسَّكِينَةِ وَالْحِلْمِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۸۵/۱). این آرامش و صبر، به فرد کمک می‌کند تا در برابر مشکلات و سختی‌ها استقامت کند و از راه حق منحرف نشود.



تأثیر در سطح شناختی: معلمانی که اضطراب و استرس دارند، قادر به مدیریت شرایط کلاس، ارائه تدریس مؤثر و برقراری ارتباط خوب با دانش‌آموزان نیستند. در مقابل معلمان آرام قادرند با صبر، شکیبایی و تمرکز بیشتر محیطی مثبت برای یادگیری دانش‌آموزان ایجاد کنند. رفتار معلم باید همواره توأم با آرامش و تلاشی برای ارضای نیازهای روانی متعلم باشد. (ن.ک: گل‌صنملو، ۱۴۰۰: ۸۹) اگر رفتار معلم امنیت و آرامش را به دانش‌آموز منتقل کند و وضعیت روانی او را در حالتی آرام قرار دهد، وی قادر به تفکر واضح و تصمیم‌گیری مؤثر خواهد شد. از سوی دیگر، معلمی که در برخورد با ضعف اخلاقی و یا درسی دانش‌آموزان آرامش خود را حفظ می‌کند، دانش‌آموزان را نیز به آرامش در تعاملات اجتماعی دعوت می‌کند. از این طریق جو حاکم بر کلاس درس آرام است و تمرکز و تعادل روانی دانش‌آموزان در سایه‌سار آرامش، به‌دست می‌آید.

تأثیر در سطح عاطفی: آرامش معلم مؤلفه‌ای است که بر سطح انرژی و انگیزه او در کلاس درس تأثیر مستقیم دارد؛ از این حیث معمولاً معلمان آرام، انرژی و انگیزه بیشتری برای تدریس و تعامل با دانش‌آموزان دارند، زیرا تحت تأثیر نگرانی و استرس‌های اضافی نیستند و تمام تمرکز آن‌ها معطوف به جریان تدریس و کلاس درس است. بنابراین همان قدر که دانش‌آموز با مشاهده رفتار تنش‌زا و اضطراب‌آمیز معلم در کلاس درس دچار تشویش ذهنی می‌شود، از مشاهده آرامش معلم خود احساس رضایت و آرامش درونی دارد. دانش‌آموزی که آرامش را در کلاس حکم‌فرما می‌بیند، به معلم اعتماد می‌کند تا آزادانه بیاندهش و تمرکز کند؛ پس برای بیان نظرات و دیدگاه‌های خود ترسی ندارد. آرامش معلم نیز باعث احساس شادابی، خوشحالی و اشتیاق دانش‌آموز برای یادگیری و شرکت در کلاس درس آرام و بدون تنش می‌شود که این خود برای احساس رضایت معلم کافی است.

تأثیر در سطح رفتاری: پس از آن که متعلم، معلم متخلق به آرامش و طمأنینه خود را می‌بیند، تنش و اضطراب را از خود دور کرده و در محیطی که در آن آرامش و امنیت حاکم است، یادگیری مطلوب‌تری از درس خواهد داشت. همچنین ثبات این روحیه در معلم موجب می‌شود که دانش‌آموزان از پرسش سوالات و بیان نظریات خود واهمه‌ای نداشته و با آرامش دیدگاه‌های خود را مطرح سازند و در نهایت وضعیت درسی بهتری را تجربه خواهند کرد.

۶-۱-۵ عدالت

امیرالمؤمنین (ع) در روایات متعدد، عدالت را به اشکال گوناگون تعریف می‌نمایند. ایشان عدالت را بهترین نوع سیاست و مدیریت دانسته آن را فضیلت یک مدیر برمی‌شمرد. آن را مایه صلاح و سامان مردم دانسته و عامل گشایش در کارها بیان می‌فرماید (ن.ک: تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۳۹/۱ و ۳۴۰).

تأثیر در سطح شناختی: درونی کردن ارزش والای عدالت در اندیشه و باور دانش‌آموز با مشاهده رفتار معلم عادل قابل‌دستیابی است. معلم با رعایت عدالت، ارزش‌ها و مفاهیم مرتبط با عدالت و برابری را در آن‌ها تقویت می‌کند (ن.ک: بازرگان و دیگران، ۱۴۰۲: ۳۶۵). دانش‌آموز با مشاهده رفتار عادلانه معلم، تفکر عدالت‌محوری را در خود تقویت و از اهمیت آن آگاهی پیدا می‌کند. آن‌ها همچنین به اهمیت و نیکو بودن این فضیلت اخلاقی در روابط و تعاملات اجتماعی پی برده و در ذهن آن‌را تقویت می‌کنند؛ از کارکردهای عدالت در رفتارهای اجتماعی باخبر شده و قوای شناختی خود را حول محور عدالت پایه‌ریزی می‌کند.



تأثیر در سطح عاطفی: انسان به حکم فطرت، عدالت دوست و از بی عدالتی و ظلم، بیزار است. معلم عادل و مدرسه عدالت محور، جامعه عدالت پیشه‌ای خواهد ساخت که احساس امیدواری، آرامش، احترام متقابل، اعتماد، انس و الفت، ارزش محوری، عزت‌مندی و صداقت در افراد آن بروز پیدا می‌کند (ن.ک: اسعدی، ۱۴۰۲: ۹۴). همان گونه که بی عدالتی باعث ایجاد احساسات منفی و مخرب در دانش آموز مثل خجالت، ترس، اضطراب و کم‌رویی می‌شود؛ پس عدالت معلم به عنوان یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری تجربه‌های آموزشی مثبت یا منفی، نقش اساسی در انگیزش پیشرفت تحصیلی ایفا می‌کند و در نهایت می‌تواند منجر به ترک یا ادامه تحصیل دانش آموز شود (ن.ک: عالی شاه، ۱۴۰۳: ۷۳).

تأثیر در سطح رفتاری: معلم با رفتار عادلانه خود، دانش آموزان را به عملکرد توأم با انصاف سوق داده و در رفتارهای آنان بروز عینی عدالت را رقم خواهد زد. معلم با حمایت از رفتارهای عدالت طلبانه دانش آموزان، آن‌ها را برای مسئولیت‌پذیری در جامعه آماده می‌کند و به آن‌ها نیز می‌آموزد که در برابر ظلم و بی عدالتی سکوت نکرده و منفعل نباشند. آن‌ها از این طریق یاد می‌گیرند که جلوه‌های عملی عدالت و جلوه‌های عملی بی عدالتی در مدرسه و جامعه، چه مصداق‌هایی داشته و در عمل و اجتناب از آن می‌کوشند. آن‌ها از این رهگذر مصادیق را شناسایی کرده و می‌دانند که به عنوان مثال، تقلب کردن یک مصداق بی عدالتی است و از ارتکاب به آن خودداری می‌کنند. همچنین می‌دانند که نسبت به هم کلاسی‌های خود با تفاوت‌های ظاهری نباید ناعادلانه رفتار کنند. آن‌ها نیز می‌دانند که تجاوز به حقوق هم کلاسی، یک نمونه از رفتار ناعادلانه است و از دست درازی به حقوق دیگران خودداری کرده، از بروز رفتارهای ضد عدالت اجتناب می‌ورزند.

۲-۵ نقش مؤلفه‌های سلبی

پس از ذکر آثار مثبت پای‌بندی معلم به مؤلفه‌های ایجابی دعای مکارم الاخلاق، ضروری است که پیامدهای منفی وجود رذائل اخلاقی در معلم بر اساس مؤلفه‌های سلبی نیز بررسی گردد. پای‌بندی معلم به مضامین دعا در مؤلفه‌های سلبی به این شکل است که وی با اهتمام نسبت به اجتناب از این مؤلفه‌ها و رذائل، مانع از ایجاد پیامدهای منفی در تربیت متعلم می‌شود. مشابه آنچه در مؤلفه‌های ایجابی صورت گرفت، در این بخش نیز از ذکر مؤلفه‌هایی که آثار مشابه با یکدیگر دارند و یا نقطه مقابل مؤلفه‌های ایجابی مذکور قرار می‌گیرند (مانند تکبر در برابر تواضع) پرهیز شده و تنها رذائل طمع، منت‌نهادن، حسد، ناسزاگویی، و سوءظن مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۲-۵ طمع

رسول معظم اسلام (ص) طمع را مایه پستی انسان معرفی می‌نماید: «بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ لَهُ طَمَعٌ يَقُوْدُهُ إِلَى طَمَعٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۱/۷۴) معلمی که درگیر طمع در امور مادی و دنیوی است، لاجرم تفکرات خود را در دانش-آموزانش نیز به سمت دنیا و اموال آن سوق می‌دهد و آن‌ها را از یاد و نام خدا غافل می‌سازد، به آخرت بی اعتقاد می‌شوند و دنیا را جاودانه می‌بینند. همچنین عوامل دیگری غیر از خداوند را در ارتزاق و روزی دخیل می‌دانند و در نهایت، طماع بار خواهند آمد (ن.ک: موسوی، ۱۳۹۸: ۱۸-۲۱).

تأثیر در سطح شناختی: طمع نتیجه سوءظن نسبت به خداوند و توانایی‌های اوست؛ پس اگر دانش آموزی با طمع و حرص در پی دستیابی به مطاع دنیا باشد، از خداوند و توانایی‌های او غافل شده و در پس موفقیت‌هایش، تنها خود را شایسته می‌داند و الطاف خداوند را فراموش می‌کند.



تأثیر در سطح عاطفی: مهم‌ترین پیامد رذیله طمع در عواطف و احساسات، از بین رفتن آرامش خیال و سکینه دل است. دانش‌آموزی که به‌واسطه طمع معلم به فزون‌طلبی روی آورده، از زندگی خود احساس رضایت ندارد و غم ناکامی مدام بر احساسات او غالب است.

تأثیر در سطح رفتاری: بروز رفتاری طمع نیز می‌تواند در قالب کینه‌توزی، رقابت‌های ناسالم، تخریب دیگران، و غیره در عملکرد دانش‌آموزان دیده شود.

۲-۵-۲-۵ منت نهادن

امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْمَنْ يَهْدِمُ الصَّنِيعَةَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۷۱/۲). این حدیث بر اهمیت خلوص نیت در انجام کارهای نیک تأکید دارد و نشان می‌دهد که نیکی واقعی، عملی است که بدون چشم‌داشت و با نیتی خالصانه انجام شود. منت گذاشتن بر کسی که به او نیکی شده، از ارزش عمل می‌کاهد.

تأثیر در سطح شناختی: اگر معلم در روند تعلیم و تربیت، رسالت خود را آغشته به منت‌گذاری کند، نگرش دانش‌آموزان را نسبت به جایگاه و قداست شغل معلمی تغییر خواهد داد و به کاهش احترام و اعتماد به معلم منتهی خواهد شد. همچنین دانش‌آموزان با این رفتار معلم، دچار نقص شناختی خواهند شد. بدین معنا که نیت او در انجام کارهای نیک برای دیگران، کسب فضایل برای خود نیست که اگر بود، آن را با منت باطل نمی‌کرد (ن.ک: یادگاری، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

تأثیر در سطح عاطفی: منت‌گذاری بر دیگران در تراحم با عزت، کرامت، شخصیت و آبروی افراد است. به‌همین دلیل است که دین مبین اسلام از منت‌گذاری به‌خصوص در مواردی که منجر به ضعف شخصیت منت‌پذیر شود و با اصل عزت و کرامت او منافات داشته باشد، برحذر می‌دارد (ن.ک: حسین‌زاده و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۲۰). معلم با منت‌گذاری بر دانش‌آموزان، کرامت انسانی آن‌ها را از بین برده و آن‌ها را نسبت به کلاس درس و محیط مدرسه دل‌سرد و ناامید خواهد کرد. همچنین این رفتار معلم سبب تحقیر شدن فرد شده و به مرور اعتماد به نفس وی را از بین خواهد برد.

تأثیر در سطح رفتاری: در سطح عملکرد و رفتار نیز، منت‌گذاری معلم می‌تواند سبب ایجاد رفتار متقابل در دانش‌آموز شود که در قالب تکبر، لجاجت، عدم پیروی در امور و غیره بروز می‌نماید.

۳-۵-۲-۵ ناسزاگویی

دشنام‌دادن با ایمان الهی سازگار نیست و کاری ناپسند و غیراخلاقی است. پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «إِنَّا كُفُّمُ الْفُحْشِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يُحِبُّ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۰۲/۷۳). در اسلام همواره به رعایت اصول ادبی و نزاکت و پرهیز از دشنام‌گویی توصیه شده است.

تأثیر در سطح شناختی: اگر معلمی با ناآگاهی از خطرات ناسزاگویی، به این عمل مرتکب شود، دانش‌آموزان را نسبت به خود و خانواده‌اش بدبین کرده و باعث سوءبرداشت آنان از مقام معلمان خواهد شد. باور دانش‌آموزان بر این خواهد بود که هر کسی در هر موقعیت و شغلی مجاز به دشنام‌دهی به دیگران است و این رفتار را مثبت تلقی می‌کنند (ن.ک: کریمی، ۱۳۹۷: ۱۴۵).

تأثیر در سطح عاطفی: فحاشی به دیگران از جلوه‌گاه‌های آسیب به شخصیت و منزلت افراد است. از این رهگذر معلم فحاش با ارتکاب به این اشتباه، آتش کینه و نفرت را در دل دانش‌آموزان شعله‌ور نموده و رابطه‌ای که باید بر اساس محبت بین دانش‌آموز و معلم شکل بگیرد، به نفرت و خشم نسبت به یکدیگر بدل خواهد شد. فحاشی به دیگران، ناخواسته بذر کینه و دشمنی را در دل آنان می‌کارد و باعث تحقیر و ناراحتی و بی‌زاری دانش‌آموزان از مدرسه می‌شود. معلم با دشنام‌گویی به دانش



آموزان باعث ایجاد احساس حقارت و خودکم‌بینی آنان می‌شود، پایه‌های اعتماد به نفس آنان را تضعیف کرده و دانش‌آموزان احساس گناه و شرمندگی در برابر معلم و هم‌کلاسی‌ها خواهند کرد (ن.ک: قائمی‌مقدم، ۱۳۷۹: ۷۶-۸۷).

تأثیر در سطح رفتاری: در حوزه تعلیم و تربیت باید به این نکته توجه شود که معلم با ناسزاگویی به دانش‌آموزان، آنان را به مقابله به مثلاً وامی دارند و آنان با الگو قرار دادن معلم خود این رفتار ناپسند را در مواجهه با خود معلمان و دیگران تکرار می‌کنند (ن.ک: حسین‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۱). اگر معلم با این روش با متربیان خود برخورد کند، پیامدهایی از قبیل: افت تحصیلی، ترک تحصیل، بروز خشونت فیزیکی در بزرگ‌سالی، و غیره در انتظار آنان خواهد بود.

۴-۲-۵ غیبت

نبی مکرم اسلام (ص) در حدیثی نورانی می‌فرماید: «من اغتاب مسلماً أو مسلمة لم یقبل الله صلاته ولا صیامه أربعین يوماً ولیلة إلا أن یغفر له صاحبه» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۳۲۲/۷). بدین‌شدن مرتبی نسبت به معلم و فرد غائب اولین پیامدی است که غیبت کردن معلم در باورهای دانش‌آموزان دارد. غیبت سرچشمه بدگمانی نسبت به همگان است، زیرا هنگامی که عیوب مخفی جمعی از افراد، از طریق غیبت آشکار گردد، انسان نسبت به همهٔ پاکان و نیکان بدبین خواهد شد؛ با این اندیشه که چه‌بسا آنان نیز مرتکب چنین ناهنجاری‌ها شده باشد و ما از آن ناآگاهیم (ن.ک: انواری، ۱۴۰۰: ۴۲).

تأثیر در سطح شناختی: غیبت کردن معلم از طرفی مرجعیت علمی و اخلاقی او را زیر سؤال برده و تضاد ارزشی در افکار دانش‌آموز شکل خواهد گرفت. بدین ترتیب که دانش‌آموزان بین آنچه آموزش داده می‌شود (اخلاقیات) و آنچه عمل می‌شود (غیبت) تناقض می‌بینند و این تناقض می‌تواند منجر به سردرگمی اخلاقی و تردید در پذیرش ارزش‌های اخلاقی توسط دانش‌آموزان شود و در باور آنان این تفکر شکل می‌گیرد که اخلاقیات فقط در تئوری مهم هستند و در عمل رعایت نمی‌شوند.

تأثیر در سطح عاطفی: غیبت معلم نسبت به دیگران در حضور دانش‌آموزان، اعتماد را از روابط می‌زداید و میان افراد دشمنی و کینه ایجاد می‌کند. دانش‌آموز در چنین محیط و شرایطی امنیت روانی نخواهد داشت؛ عزت نفس دانش‌آموز مختل خواهد شد. دوستی و صمیمیت از روابط آنان رخت بر بسته و دانش‌آموز از این رفتار معلم خود ناراحت و مأیوس می‌شود.

تأثیر در سطح رفتاری: همچنین بدگویی درباره دانش‌آموزان توسط معلم و آشکار ساختن عیوب آنان در صورتی که فرد غائب و ناخشنود است باعث از بین رفتن وحدت و انسجام بین دانش‌آموز و معلم می‌شود. غیبت کردن رابطه بین مربی و مرتبی را تیره می‌کند و کسی که از او غیبت شده، کینه فرد غیبت‌کننده را به دل می‌گیرد و در هر فرصتی که به دست آید، به اذیت و آزار او می‌پردازد (ن.ک: همان، ۴۱).

۵-۲-۵ سوءظن

طبق فرمایش پیامبر اکرم (ص)، بدگمانی به خلق در نهایت منجر به بدگمانی به خالق متعال خواهد شد: «مَنْ أَسَاءَ بِأَخِيهِ الظَّنَّ فَقَدْ أَسَاءَ بِرَبِّهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳۵۲/۴).

تأثیر در سطح شناختی: اگر معلم بر اثر شتاب‌زدگی در قضاوت، نسبت به دانش‌آموزان خود گمان بد داشته باشد و از رفتارهای آنان پنداری علیه خود یا دیگران تصور کند، به مرور زمان اعتبارش نزد دانش‌آموزان از بین می‌رود و آنان نیز نسبت به معلم خود بدبین شده و افکاری منفی خواهند داشت. ارزش و جایگاه معلم برای آنان تنزل خواهد کرد و متعلم برای معلم بدگمان خود دیگر احترامی قائل نخواهد بود.

تأثیر در سطح عاطفی: اساس تعامل بین شاگرد و معلم اعتمادی متقابل است. اگر این اعتماد به سبب سوءظن معلم از میان برود، دیگر معلم در انجام وظیفه خود کوشا و موفق نخواهد بود. معلمی که دچار سوءظن به دانش‌آموزان است از یک



طرف گرفتار افکار بیهوده و فاسد است و از طرف دیگر به غم و اندوه و اضطراب مبتلا می‌شود (ن.ک: توانایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۴). وجود اضطراب در معلم بر اثر بدگمانی به دیگران، اضطراب را به دانش‌آموزان نیز منتقل می‌کند. بدین‌شدن معلم به دانش‌آموزان کینه او را در دل دانش‌آموزان می‌اندازد تا بدین ترتیب عداوت و دشمنی میان آنان ریشه دواند.

تأثیر در سطح رفتاری: وجود سوءظن در دانش‌آموز منجر به بروز رفتارهای تقابلی، شتاب‌زده، خشن و مخاطره‌آمیز می‌گردد. بدین ترتیب فضای مسمومی علیه افراد در مدرسه و در مراتب بعدی در جامعه به‌وجود می‌آید و مشکلات موجود را مضاعف می‌کند (ن.ک: محمدیان، ۱۳۷۵: ۸۶). ضمن اینکه دانش‌آموز با بدبینی به دیگران، از جمع آنان طرد شده و به سمت گوشه‌گیری و دوری‌گزینی از اجتماع تمایل پیدا خواهد کرد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین اثرات پای‌بندی معلمان به آموزه‌های اخلاقی دعای گران‌سنگ مکارم‌الاخلاق بر آموزش پنهان دانش‌آموزان، در سه سطح اندیشه و باورها، عواطف و احساسات، و عملکرد و رفتار، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از چارچوب نظری تلفیقی بین نظریه یادگیری اجتماعی بندورا و سطوح اهداف آموزشی بلوم انجام گرفت. یافته‌های این تحقیق، اهمیت بی‌بدیل اخلاق معلم را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان برنامه درسی پنهان به‌وضوح نشان می‌دهد. نتایج این پژوهش مؤید آن است که اخلاق معلم، نه صرفاً به‌صورت یک توصیه اخلاقی، بلکه به‌عنوان یک محرک کلیدی در فرایند الگوبرداری و یادگیری مشاهده‌ای (نظریه بندورا)، نقش محوری در شکل‌دهی به ابعاد مختلف وجودی دانش‌آموزان دارد. این تأثیرگذاری از طریق دو مسیر اصلی (مؤلفه‌های ایجابی و سلبی) صورت می‌پذیرد:

الف) مسیر ایجابی (پای‌بندی به فضائل): پای‌بندی معلم به فضائلی چون نیکوکاری، عیب‌پوشی، تواضع، مهربانی، آرامش، عدالت، کظم‌غیض و میانجی‌گری، نتایج سودمندی را در سطح اندیشه و باورهای دانش‌آموزان از جمله: «درک ارزشمندی فضائل اخلاقی، فراهم شدن زمینه شناخت بیشتر، معرفت بیشتر نسبت به خود و خدا، عدم خودبینی، درک مهربانی خداوند، تفکر صحیح، تصمیم‌گیری مؤثر، تعادل فکری، تقویت تفکر عدالت‌محوری، کمال عقل، درک متقابل، و عدم شتاب‌زدگی در قضاوت» در پی خواهد داشت.

همچنین در سطح عواطف و احساسات دانش‌آموزان موجب «افزایش همدلی، جلب محبت، خوش‌بینی، وفاداری، اعتماد به نفس، حفظ عزت و کرامت، صمیمیت، علاقه و وابستگی به مدرسه، احساس رضایت درونی، آرامش، اعتماد به معلم، شادابی، امیدواری، اعتماد متقابل، و هم‌دردی» می‌شود. در سطح عملکرد و رفتار دانش‌آموزان نیز جلوه‌های مثبتی را چون «مسئولیت‌پذیری، اهتمام به کار خیر، جبران اشتباهات، رشد تحصیلی، بهبود رفتار، اصلاح گفتار، حضور فعال و مشتاقانه در مدرسه، بیان آزادانه سوالات و دیدگاه‌ها، ظلم‌ستیزی، مهارت حل مسئله و مدیریت خلاقانه تعارضات» به‌دنبال دارد. این رفتارها به دلیل مشاهده مستمر و درک ارزش این فضائل از طریق الگوی معلم، در شخصیت دانش‌آموز نهادینه می‌شوند.

ب) مسیر سلبی (اجتناب از رذائل): اجتناب معلم از رذائلی همچون طمع، منت‌نهادن، حسد، ناسزاگویی و سوءظن، از شکل‌گیری محیط ناسالم و تخریب‌کننده در مدرسه جلوگیری می‌کند و مانع بروز پیامدهای منفی شود. این پیامدها در سطح باور و اندیشه عبارت‌اند از: «غفلت از یاد خدا، تغییر نگرش نسبت به قداست معلمی، بدبینی، عادی‌انگاری رذایل، و تضاد ارزشی»؛ همچنین در سطح احساسات و عواطف پیامدهایی از قبیل: «از بین رفتن آرامش، تضعیف شخصیت، اختلال در عزت و کرامت، دل‌سردی، ناامیدی، حس تحقیر، عدم اعتماد به نفس، احساس کینه و نفرت، بی‌زاری از مدرسه، خودکم‌بینی، احساس



گناه، یأس، و اضطراب؛ در سطح عملکرد و رفتار نیز عواقبی چون «رقابت ناسالم، تخریب دیگران، مقابله به مثل، تکبر، لجاجت، عدم قانون‌مداری، افت تحصیلی، ترک تحصیل، آزار دیگران، رفتارهای شتاب‌زده و خشن، و عملکرد مخاطره‌آمیز».

نتایج این تحقیق تا حد زیادی با یافته‌های پژوهش‌های پیشین در حوزه اخلاق معلم و برنامه درسی پنهان همسو است و آن‌ها را تقویت می‌کند؛ نظیر کرمی (۱۴۰۱) که خوش‌رویی و خوش‌برخوردی معلم را در افزایش علاقه دانش‌آموزان به درس و مدرسه و پیشرفت تحصیلی مؤثر می‌داند؛ یا همسو با مصلی‌نژاد و دیگران (۱۳۹۲) که نقش جدایی‌ناپذیر اخلاق معلم را در شکل‌گیری ابعاد پنهان برنامه درسی مورد تأکید قرار می‌دهد. به‌علاوه، نتایج مربوط به تأثیر عدالت معلم بر ایجاد آرامش، امیدواری و حس مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان، کاملاً با یافته‌های عالی‌شاه (۱۴۰۳) و اسعدی (۱۴۰۲) مطابقت دارد.

نوآوری این تحقیق در استخراج یک چارچوب جامع و منسجم از آموزه‌های اخلاقی دعای مکارم‌الاخلاق و تحلیل تأثیر آن در سه سطح شناختی، عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان است که جنبه‌های مختلف تربیت را پوشش می‌دهد. این رویکرد، در پژوهش‌های پیشین مورد توجه قرار نگرفته بود. هیچ نتیجه ناهم‌سویی با پژوهش‌های پیشین که در پیشینه تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، مشاهده نشد؛ بلکه این تحقیق توانسته است ابعاد و عمق جدیدی به درک تأثیر اخلاق معلم بر آموزش پنهان بیافزاید.

نتایج این پژوهش در بعد نظری از این قرار است که با ارائه یک مدل تحلیلی از تأثیر آموزه‌های اخلاقی مأخوذ از دعای مکارم‌الاخلاق بر برنامه درسی پنهان، به غنای ادبیات نظری در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی و برنامه درسی می‌افزاید. در بعد نظری، این پژوهش یک چارچوب مفهومی نوین ارائه می‌دهد که آموزه‌های دینی به‌خصوص معارف ادعیه را به‌صورت مستقیم و ساختارمند با مفاهیم روان‌شناسی تربیتی (دیدگاه‌های بندورا و بلوم) پیوند می‌دهد. همچنین بر اهمیت منابع اصیل دینی به ویژه متون ادعیه، به‌عنوان گنجینه‌ای غنی برای استخراج اصول و الگوهای تربیتی در دوران معاصر تأکید می‌ورزد.

در بعد کاربردی نیز یافته‌های این پژوهش پیامدهای مهمی برای نظام تعلیم و تربیت دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: ضرورت گنجاندن آموزه‌های اخلاقی دعای مکارم‌الاخلاق و نقش آن در تربیت پنهان دانش‌آموزان به‌صورت رسمی در سرفصل‌ها و کارگاه‌های آموزشی دانشجویان و معلمان، لزوم خودارزیابی مستمر معلمان بر اساس فضائل و رذائل اخلاقی مطرح شده در این پژوهش، اهمیت تدوین منشور اخلاقی معلمان بر اساس مضامین دعای مکارم‌الاخلاق، ضرورت فراهم‌آوردن بسترهای حمایتی و تشویقی برای تقویت فضائل اخلاقی در میان کادر آموزشی توسط مدیران مدارس و برنامه‌ریزان درسی.

باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهادها زیر برای پژوهش‌های آینده ارائه می‌گردد: انجام پژوهش‌های کمی و تجربی برای سنجش میزان و شدت تأثیر هر یک از فضائل و رذائل اخلاقی معلم بر ابعاد مختلف رشد دانش‌آموزان، انجام مطالعات کیفی برای درک تجربیات زیسته دانش‌آموزان از اخلاق معلم و چگونگی شکل‌گیری آموزش پنهان در آن‌ها، بررسی نقش سایر ارکان مدرسه، مانند (مدیران و معاونان) و خانواده‌ها در تقویت یا تضعیف آموزش پنهان.



فهرست منابع:

- قرآن کریم
- آقابوسفی، علیرضا و دیگران. (۱۳۸۶). روان‌شناسی عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ابن‌بابویه، محمد. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه، مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن‌حبان، محمد. (۱۴۱۴ق). صحیح ابن‌حبان بترتیب ابن‌بلبان، مصحح: شعب الأثر ووط، بیروت: مؤسسه الرساله.
- اسعدی، علی. (۱۴۰۲). «تحلیل اصل عدالت در اخلاق حرفه‌ای معلم و کاربست آن در موقعیت‌های کاربردی»، پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۳، ۹۲-۱۰۴.
- امام‌زین‌العابدین، علی‌بن‌الحسین. (۱۴۰۴ق). الصحیفه السجاده، قم: دارالکتب الاسلامی.
- انواری، جعفر. (۱۴۰۰). «بررسی ارزش اخلاقی غیبت»، معرفت اخلاقی، سال دوازدهم، شماره ۱، ۴۶-۳۳.
- باباصفری، رضیه؛ سجادیان، ایلناز؛ نادری، محمدعلی. (۱۳۹۷). «الگوی تحلیل مسیر روابط بین نوع‌دوستی، نگرش‌ها و باورها با رفتار اجتماعی مطلوب در بین دانشجویان دختر»، مجله روان‌شناسی اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، ۲۲-۱۱.
- بازرگان، فاطمه؛ جوادی، فاطمه. (۱۴۰۲). «بررسی نقش معلم در اجرای برنامه درسی عدالت محور»، مجموعه مقالات پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۶۵۴-۶۴۷.
- بردستانی، علیرضا. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر باورهای مذهبی بر رفتار نوع‌دوستانه و سازگاری تحصیلی در دانش‌آموزان سال آخر دوره متوسطه پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
- بناری، علی‌همت. (۱۳۹۶). برنامه درسی پنهان با نگاهی بر دیدگاه اسلام، قم: مرکز نشر المصطفی (ص).
- پارسا، محمد. (۱۳۸۳). روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران: بعثت.
- نک فلاح، داود. (۱۳۹۰). کاربرد مهارت‌های تدریس و روان‌شناسی در آموزش قرآن، تهران: نشر تلاوت.
- تقی‌پور، علیرضا. (۱۴۰۱). «علت‌شناسی رفتار مجرمانه در صحیفه سجاده»، دوفصل‌نامه دعاپژوهی، سال دوم، شماره ۳، ۵۲-۳۹.
- تمیمی‌آمدی، عبدالواحد. (۱۴۱۰ق). غررالحکم و دررالکلم، مصحح: مهدی رجایی، قم: دارالکتاب‌الاسلامی.
- توانایی، محمدحسین؛ بهاء‌الدینی، فرخنده. (۱۳۸۸). «بررسی مفهوم ظن و گمان در قرآن کریم»، فصل‌نامه علمی-پژوهشی علوم اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۵، ۳۴-۱۱.
- حاجی‌انزهایی، زهرا؛ روتوند، ساناز؛ نیک‌آیین، زینت. (۱۴۰۰). «همبستگی تواضع مربی و تسهیم دانش با خلاقیت بازیکنان لیگ برتر والیبال بانوان ایران»، مدیریت ارتقای سلامت، سال دهم، شماره ۲، ۸۶-۷۶.
- حسین‌زاده، عبدالرضا؛ نیک‌طبع، صدیقه؛ بیجاری، مؤده. (۱۴۰۳). «منت‌گذاری و منت‌پذیری از منظر فقه‌الاخلاق»، پژوهش‌نامه اخلاق، سال هفدهم، شماره ۶۳، ۱۳۲-۱۱۳.
- حسین‌زاده، علی؛ قاسمی، هاجر. (۱۳۹۵). «تبیین مهم‌ترین روش‌های عاطفی آسیب‌زا در تربیت با تکیه بر آیات قرآن کریم و احادیث ائمه»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، سال ششم، شماره ۲۲، ۷۹-۵۵.
- خسروی، زهره؛ باقری، خسرو. (۱۳۸۷). «راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه درسی»، فصل‌نامه مطالعات برنامه درسی، سال دوم، شماره هفتم، ۸۱-۱۰۵.
- دهقان‌رجبی، فاطمه. (۱۳۹۲). نقش معلم در تربیت از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد]، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- رحمانی، بهالدین. (۱۳۹۲). بررسی تحلیلی اخلاق معلمی و تعیین جایگاه آن در اهداف و برنامه‌های تربیت معلم ایران [رساله دکتری]، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- رضایی، سعید. (۱۴۰۲). استخراج آیات نشانگر برنامه درسی پنهان و کاربردهای آن برای مربیان [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد]، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- شریف‌رضی، محمدبن‌حسین. (۱۴۱۴ق). نهج‌البلاغه، قم: دارالکتب‌الاسلامی.
- صفوی، امان‌اله. (۱۳۸۶). کلیات روش‌ها و فنون تدریس (متن کوتاه)، تهران: نشر معاصر.
- عابدی، احمد؛ تاجی، مریم. (۱۳۸۰). «نقش برنامه درسی پنهان مدارس در شکل‌گیری شخصیت و رفتار دانش‌آموزان»، فصل‌نامه آموزه، سال سوم، شماره ۹، ۴۵-۲۳.



- عالی‌شاه، فاطمه. (۱۴۰۳). بررسی نقش ادراک دانش‌آموز از عدالت معلم با گرایش به ترک تحصیل: نقش میانجی انگیزش پیشرفت تحصیلی و نیازهای اساسی [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]، سمنان: دانشگاه پیام‌نور.
- عبدی‌زرین، سهراب؛ علیاری، صابر. (۱۳۹۹). «تأثیر صمیمیت و بدرفتاری معلم در اعتبار معلم»، راهبردهای نوین تربیت معلمان، سال ششم، شماره ۱۰، ۳۳-۶۱.
- عیاری، لیلا. (۱۳۹۸). واکاوی جایگاه نیکوکاری در مدارس ابتدایی ایران و طراحی برنامه درسی برای اعتلای آن [رساله دکتری]، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- فتحی‌واجارگاه، کوروش. (۱۳۹۹). اصول و مفاهیم اساسی برنامه‌ریزی درسی. تهران: علم استادان.
- فرهنگیان، علی. (۱۴۰۰). منش و سلوک پیامبر در مقام مربی [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- فریدونی، محمدرضا؛ پناهی توانا، صادق. (۱۴۰۱). «تربیت معنوی بر پایه فقر ذاتی در صحیفه سجاده»، دوفصل‌نامه دعاپژوهی، سال دوم، شماره ۳، ۵۳-۶۸.
- قائمی‌مقدم، محمدرضا. (۱۳۷۹). روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قورچیان، نادرعلی. (۱۳۷۳). تحلیلی از برنامه‌درسی مستتر بحثی نو در ابعاد ناشناخته نظام آموزشی، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال اول، شماره ۱، ۶۹-۴۷.
- کرمی، زهره. (۱۴۰۱). تأثیر رفتارهای اخلاقی و غیراخلاقی معلم بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز از نظر عالمان علم اخلاق [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]، اصفهان: دانشگاه پیام‌نور.
- کریمی، محمدکاظم. (۱۳۹۷). فحاشی. نشریه ره‌توشه، شماره ۱۵۹، ۱۵۰-۱۴۱.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). گزیده کافی، مترجم: محمدباقر بهبودی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- گل‌سنم‌لو، محمد. (۱۴۰۰). طراحی الگوی معلم خوب با تأکید بر سند تحول بنیادین [رساله دکتری]، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- گودرزی، مصطفی. (۱۳۸۸). بررسی مبانی دینی اخلاق حرفه‌ای معلمان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]، سنج: دانشگاه کردستان.
- متقی‌هندی، علی‌بن‌حسام‌الدین. (۱۴۰۹ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله.
- محمدیان، عصمت. (۱۳۷۵). «ریشه‌یابی بیماری‌های اخلاقی و روانی: سوءظن و بدبینی»، نشریه تعاون و کشاورزی، سال پانزدهم، شماره ۶۲، ۸۶-۹۰.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوارالجامعه لدررأخبارالائمة الأطهار. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- مصلی‌نژاد، لیلی؛ مرشدبهبهانی، بهار. (۱۳۹۲). «نقش استادان در شکل‌گیری ابعاد پنهان برنامه درسی»، مجله مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، سال دهم، شماره ۲، ۲۲-۱۱.
- ملکی، حسن. (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)، مشهد: نشر پیام اندیشه.
- موسوی، لیلا. (۱۳۹۸). راهکارهای تربیتی مقابله با آزمندی با تأکید بر منابع اسلامی [پایان‌نامه سطح سه حوزه علیمه]، قم: جامعه الزهرا (س).
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۳). برنامه درسی: نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها. تهران: به‌نشر.
- ----- (۱۳۸۷). «بازشناسی مفهوم و کاربرد برنامه درسی پنهان»، مطالعات برنامه درسی ایران، سال دوم، شماره ۸، ۱۷۱-۱۵۶.
- مجاهد، طاهره. (۱۳۹۹). تبیین محدوده کاربرد تغافل در تعلیم و تربیت از منظر آموزه‌های اسلامی [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]، مشهد: جامعه‌المصطفی‌العالمیه (ص).
- نقیب‌زاده، میرعبدالحسین؛ نوروزی، رضاعلی. (۱۳۸۹). «تحلیلی بر اهداف تربیت اخلاقی و اجتماعی از دیدگاه هابرماس با تأکید بر نظریه کنش ارتباطی»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره ۳۷، ۱۴۲-۱۲۳.
- نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
- یادگاری، احمد. (۱۳۹۲). تبیین مبانی خدمت به خلق و پیامدهای تربیتی آن از دیدگاه اسلام [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی

